

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده مطالب جلسه ۳۱ درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

سال تحصیل ۹۸-۹۹

نقد چهارم بردموکراسی از ناحیه وجود تضادهایی است که در آن وجود دارد:

تضاد موکلین با وکلاء:

تضاد منافع بین عامه مردم و گروهی که برای قدرت انتخاب می شوند. به این دلیل که نمایندگانی که برای فرمانروایی انتخاب می شوند، منافع شخصی، گروهی، حزبی و منطقه ای خاصی دارند که غالباً با منافع عامه مردم در تضاد است. چه تضمینی وجود دارد که نمایندگان از منافع خودشان برای جلب منافع مردم بگذرند؟!

یک وقتی ما قائل به خدا و آخرت و حساب و کتاب و اجراخوری هستیم، اینها قابل قبول است و می توان توجیه معقولی برای کنار گذاشتن منافع شخصی برای منافع عامه مردم تصور کرد؛ اما در نظام دموکراسی که قدرت و ثروت دست فرمانروست به چه انگیزه ای منافع مردم را به منافع خود ترجیح دهند؟

سوال یکی از شاگردان: پس تفکیک قوا برای چیست؟

پاسخ استاد: اولاً که تفکیک قوای واقعی در نظام دموکراسی وجود ندارد؛ زیرا قاضی و دولت را همین پارلمانی که رای آورده و قدرت دست اوست، انتخاب می کنند.

ثانیاً: اگر فرض شود تفکیک قوای کامل وجود داشته باشد، تازه شروع اول درگیری و نزاع بین قواست و هرکدام ساز خودشان را می زنند.

اما این در نظام اسلامی قابل توجیه و کنترل است و ولی فقیه که عادل است -عدالتی که احتمال معصیت را به درصد بسیار پایینی برساند- این قوا را کنترل می کند.

تضاد منافع اکثریت با اقلیت:

اگر بنا باشد دموکراسی غیرمستقیم باشد، و مردم نمایندگانی انتخاب کنند؛ به دلیل اینکه اختلاف منافع و اختلاف نظربین مردم وجود دارد، مردم سرگزینه واحد اتفاق ندارد،

ناگذیر به رای اکثریت برای تعیین نمایندگان رجوع می‌شود. و تضاد منافع وجود دارد بین اکثریت مردم که با رای آنها حاکمیت انتخاب شده و اقلیت که پیروز انتخابات نشدند، در اینجا حزبی که به قدرت رسیده بر چه مبنایی باید دست از منافع خودش دست بردارد برای اینکه منافع اقلیت را تامین کند؟

برخی گفته‌اند با نهادهای غیردولتی (NGO) اقلیت می‌تواند کسب منافع کنند؛ اما واقعیت آن است که «ان جی او»ها هم چاره ساز نیست و منافع اقلیت را تامین نمی‌کند؛ زیرا قدرت، ثروت و امکانات همه در اختیار دولت است و تا وقتی به این «ان جی او»ها اجازه فعالیت می‌دهند که با منافع دولت تضاد نداشته باشد. و شاهدش هم چیزی است که الان در فرانسه و انگلیس و آمریکا اتفاق می‌افتد.

در نتیجه این تضاد منافع به پایمال شدن اقلیتی از جامعه می‌انجامد که شاید ۴۹ درصد جامعه باشند.

تضاد منافع صاحبان نفوذ و اکثریت مردم:

معمولا در نظام‌های دموکراسی چنین است که اگر پای خدا و پیغمبر در کار نباشد، نظام دموکراسی تبدیل به حکومت اقلیت می‌شود. و یک تضاد وجود دارد بین اقلیتی که اکثریت ساز است با منافع عامه مردم. به این دلیل که به هر حال اکثریتی که به وجود می‌آید چگونه به وجود می‌آید؟ غیر از این است که تبلیغات تأثیر دارد؛ و غیر از این است که خرج کردن تأثیر دارد؟ نتیجه این می‌شود، نظامی که دکور و ویتروینش نظام حکومت اکثریت است، تبدیل می‌شود به حکومت صاحبان نفوذ، چه نفوذ قومیتی باشد چه نفوذ ثروتی باشد و چه نفوذش از لحاظ معروفیت و سلبریتی بودن باشد و آنهایی که نفوذ دارند، اکثریت می‌سازند.

پایان